

مرزبان ارزشها،

آیت الله

معراجی واعظ

محمد تقی ادهم نژاد

نورانی رئیس مذهب حقه جعفری،
امام صادق علیه السلام هستند که فرمود:
«رَحِمَ اللَّهُ قَوْمًا كَانُوا بَسْرَاجًا وَمَنَارًا،
كَانُوا دُعَاةَ إِلَيْنَا بِأَعْمَالِهِمْ وَمَجْهُودِ طَائِفِهِمْ؛
خداوند گروهی را مورد رحمت قرار
دهد که چراغ فروزان و روشنی بخش
بودند و با اعمال خویش و به کار بردن
تمامی توان خود [مردم] را به سوی ما
دعوت کردند.»

تولد و زادگاه

خطیب خدمت‌گزار و با اخلاص
حاج شیخ ابراهیم معراجی لنگرودی

۱. الحیاة، محمد رضا حکیمی و محمد حکیمی،
ج ۱، ص ۲۹۸.

خطیبان بزرگوار در طول تاریخ
شیعه با تشریح و تبیین حقایق نورانی
شریعت محمدی و انتشار مکارم و
سجایای والای اخلاق علوی به رشد
جامعه بشری و پویایی و بالندگی
انسانها کمک شایان توجهی کرده و به
رغم همه سختیها و مشکلات و
محرومیت‌های فراوان، عمر با برکت
خویش را در راه احیای ارزشهای
مقدس مکتب حیات‌بخش جعفری
صرف نموده‌اند. فقیه وارسته و گمنام،
حاج شیخ ابراهیم معراجی لنگرودی
از تبار چنین عالمان و خطیبان فرزانه و
ارزشمندی بوده است که مصداق کلام

می‌زیستند و نیز حوزه‌های علمیه پر رونقی وجود داشت که می‌توانست موقعیت تدریس و تألیف و رشد و بالندگی عالمان برجسته را غنا بخشد.

آیه الله مُمَجَّد لَنگَرودی مدیر حوزه علمیه لنگرود - قدس سره - درباره موقعیت علمی لنگرود و جنایات رضاخان می‌گوید: «لنگرود مهد علم و عالم بود. فقیهان بی شماری از این خطه برخاسته‌اند که متأسفانه پسوند اغلب آنان به مرور زمان در تاریخ تغییر پیدا کرده است. این فقیهان و عالمان بر دو دسته‌اند: نخست بسیاری از آنان در حوزه‌های علمیه مشغول تدریس سطوح عالی هستند که در میان آنان سه نفر مرجعیت عامه پیدا کردند که عبارت‌اند از: آیات عظام ملا عبدالله لنگرودی، معروف به مازندرانی از رهبران مشروطه و آقا شیخ شعبان گیلانی و آقا سید مرتضی لنگرودی، و اما دسته دوم، عالمان و فقیهان برجسته و ممتازی هستند که در

در ۸ رجب سال ۱۳۱۳ قمری در شهرستان لنگرود و در بیت علم و فضیلت دیده به جهان گشود.

پدر بزرگوار این خطیب والامقام، آیه‌الله شیخ محمد مجتهد (م ۱۳۰۸ ش)^۱ بوده است که اصالتاً متعلق به یکی از قرای اشکور رودسر به نام «کُجِد» یا «کُجِد» می‌باشد و از عالمان و فرزندان گیلانی به شمار می‌آمده و سالیان متمادی در نجف اشرف از وجود بزرگانی، همانند: میرزای رشتی (م ۱۳۱۲ ق) بهره‌مند شده و خود نیز به تدریس علوم اسلامی اشتغال داشته است که حکیم بزرگوار میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی،^۲ استاد امام راحل (م ۱۳۹۵ ق) یکی از دانش‌آموختگان مکتب علمی این عالم فرزانه به شمار می‌رود. وی بعد از مهاجرت به ایران به شهرستان لنگرود مهاجرت کرده و تا پایان عمر در این شهر رحل اقامت افکنده و نیز عمر گرانقدر خود را صرف تبلیغ، تدریس و تألیف علوم دینی کرده است.

در این دوران فقیهان و عالمان برجسته فراوانی در این شهر

۱. سیمای لنگرود، عبدالحسین رفیعی لاهیجی، ص ۱۸۹.

۲. آسمان معرفت، حسن‌زاده آملی، ص ۳۸۳.

شهر لنگرود و حتی برخی از روستاهای آن زندگی می‌کردند. در همان اوائل طلبگی بنده در سال ۱۳۰۵ شمسی بیش از هفتاد - هشتاد عالم و فقیه در این شهر زندگی می‌کردند که اکثر آنان مجتهد مسلم بودند و آیه الله شیخ علی اکبر فتیله‌ی لنگرودی اعلم علمای آن شهر به شمار می‌رفت.

سه حوزه علمیه پر رونق وجود داشت که رضاخان وقتی مسئله متحد الشکل کردن لباس و رفع حجاب را مطرح کرد، علمای این شهر همانند بسیاری از شهرها به مخالفت با او برخاستند و لذا همه آنان مورد غضب رضاخان واقع شدند و بسیاری از آنان تبعید گردیدند و مدارس تخریب و به خانه روستا تبدیل شد و موقوفات مدارس نیز از بین رفت. امتیاز دیگر لنگرود علاوه بر مجمع علماء بودن، مهد پرورش خطبای فراوان بوده است. شاید هیچ شهری از شهرهای شمال به اندازه شهرستان لنگرود خطیب و واعظ نداشته و ندارد.^۱

تحصیلات و استادان

واعظ جلیل‌القدر و عالم ربانی،

آیه الله شیخ ابراهیم معراجی لنگرودی^۲ اختر درخشانی بود که در آسمان لنگرود پرتو افشانی کرد و لحظه‌ای از انجام خدمات علمی و اجتماعی باز نماند. او با دلسوزی و از راه خطابه‌های شیرین، علاقه‌مندان را به وظائف دینی و مسئولیتهای شرعی آشنا می‌ساخت و در تبیین اندیشه‌های اسلامی و نشر فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام صادقانه تلاش می‌کرد.

مرحوم معراجی در زادگاهش لنگرود بعد از سپری ساختن دوران کودکی، خواندن و نوشتن و فراگیری قرآن و برخی از دروس مقدماتی را در نزد پدر بزرگوارش و نیز آیه الله شیخ علی اکبر فتیله‌ی لنگرودی آموخت و آن‌گاه به مدت دو سال در مشهد مقدس مشغول تحصیل گردید و سپس عازم قزوین که در آن زمان دارای مرکزیت

۱. مصاحبه نگارنده با آیه الله ممجد لنگرودی - قدس سره - که بخشهایی از آن در ستارگان حرم، دفتر ۱۲ و مجله حوزه، شماره ۸۷ به چاپ رسیده است.

۲. خلاصه‌ای از شرح حال این خطیب ارجمند در گنجینه دانشمندان، ج ۷ و سیمای لنگرود آمده است.

خاص علمی بود، شد.

مهم‌ترین استاد وی در حوزه علمیه قزوین، عالم ربانی و عارف صمدانی آقا شیخ عبدالصمد بی بالانی رانکوهی رودسری که از شاگردان عارف و فقیه والامقام آقا سید موسی زرابادی است، می‌باشد.^۱

هجرت به شهر عشق

آقای معراجی برای تکمیل معارف و کسب مدارج عالیّه علمی رهسپار شهر مقدس نجف اشرف گردید و در محضر عالمان جلیل‌القدر و فقیهان و مراجع عصر، آیات عظام: شیخ شعبان دیوشلی گیلانی، سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاءالدین عراقی، و میرزا حسین نائینی زانوی علم و ادب بر زمین زد و از خرمن دانش بیکران آنان خوشه چینی نمود و خود نیز علاوه بر تحصیل، به تدریس سطوح اشتغال ورزید. وی به مدت ۱۲ سال در نجف اشرف علی‌رغم مشکلات و تنگناهای اقتصادی و فقر شدید، به صورت شبانه روز و با تلاش و همت والا و عزمی راسخ مشغول کسب علم و معرفت گردید.

وی با تلاش خستگی‌ناپذیر خویش توانست علوم رایج حوزه‌های علمیه، مانند: فقه، اصول، ادبیات، اخلاق، عرفان و... را از محضر اساتید نام‌آور نجف کسب نماید و موفق به اخذ اجازات کم نظیری در اجتهاد گردد.

مراجع عظام در اجازات خود از وی به عنوان «عالم، فاضل، کامل، عمادالاعلام، عمادالعلماء الاتقیاء و سنادالافاضل الازکیاء...» تعبیر کرده‌اند.^۲

مراجعت به وطن

مرحوم معراجی واعظ پس از کسب معارف و نیل به مقام شامخ فقاقت، جهت نشر و ترویج آموخته‌های خویش به زادگاهش لنگرود مراجعت و تا آخر عمر شریف خود یکسره مشغول تبلیغ و ارشاد و

۱. در این قسمت، از متن نوشتاری که فرزند ارجمند آن مرحوم، جناب آقای ابوالحسن معراجی و داماد ارجمند آن مرحوم، حاج شیخ محمد مهدی تاج لنگرودی، مؤلف «گفتار و عاظ» که در اختیارم گذارده‌اند، استفاده شد.

۲. متن اجازات آیات عظام اصفهانی، عراقی، نائینی به معظم له در نزد حقیر موجود است.

هدایت مردم گردید و از خویش نام و آثار نیکی به جای گذارد.

رایت تبلیغ

معراجی واعظ با پشتوانه محکم علمی و علی‌رغم مشکلات داخلی و اقتصادی، به علت ذوق و استعداد ذاتی خویش، بعد از اقامت در زادگاه، کار تبلیغ و وعظ و خطابه را سرلوحه امور خویش قرار داد و بعد از چندی منابر آموزنده و جذاب وی مورد استقبال مردم منطقه قرار گرفت. خصوصاً در دوران ستم شاهی که همگان سعی داشتند مردم و جوانان را به گناه و معاصی بکشانند و برای منحرف کردن جوانان، انواع و اقسام برنامه‌های تفریحی و آلوده به گناه وجود داشت، با این حال، مواعظ سودمند، شیوا و تأثیرگذار معراجی واعظ جانهای خفته را بیدار می‌ساخت و به آنها شخصیت دینی، اخلاقی و کرامت انسانی می‌بخشید.

وی از نقش عاطفی و روانی واژه‌ها آگاهی داشت و کلماتی را به زبان می‌آورد که شنوندگان را تحت تأثیر قرار می‌داد و به آنان تحریک

می‌بخشید. وی مردم را با سیره معصومین علیهم‌السلام به خوبی آشنا ساخت و نقش خود را در رشد جامعه به طور احسن به انجام رساند. سخنان وی که بیشتر در محور مواعظ دور می‌زد، بسیار شیرین و جذاب بود و مواعظ و نصایح مشفقانه وی تا اعماق دلها نفوذ می‌کرد و توانست با همین مواعظ و سخنان حکمت‌آمیز خویش موجب هدایت دهها نفر از ضلالت و گمراهی و انحرافات اخلاقی و اعتقادی گردد.^۱

دوران ستم‌شاهی

یکی از مصیبت‌های بزرگی که علمای شیعه در دوران معاصر به آن گرفتار بودند، مصیبت کشف حجاب و برنامه‌های ضد دینی رضاخان قلندر و بعد از او پسرش بود. معراجی واعظ همانند همه علماء و بزرگان دینی از این گرفتاری برکنار نبود. عمال رضاخان در خلع لباس کردن مرحوم معراجی واعظ موفق نبودند؛ زیرا او مجتهد بود و مراتب علمی وی مورد تأیید مراجع عظام تقلید بود و گواهی

۱. نمونه‌ای از سخنرانی سودمند آن مرحوم در «گفتار و غاظ»، ج ۲، صص ۴۰۱-۴۱۲ آمده است.

اجازات اجتهاد وی مانع شد تا آنان بتوانند وی را از کسوت لباس روحانیت بیرون بیاورند. اما در امر روضه خوانی از آنجایی که به دستور رضاخان هرگونه تشکیل محافل روضه و روضه خوانی ممنوع بود، مشکلات فراوانی را این واعظ شیرین سخن متحمل شد و بارها توسط نظمی (شهربانی) لنگرود احضار و مدتی به جرم منبر رفتن زندانی شد.

فرزند آن مرحوم می‌گوید: «مشکل دیگر پدرم، مواجه بودن با زمان رضاخان بود. مرحوم والد به دو جهت گرفتار شهربانی شد: یکی به جهت کسوت روحانیت و داشتن عمامه و دیگری هم به عنوان منبر رفتن و روضه خوانی که برپایی مجالس روضه خوانی اکیداً از سوی رضاخان قدغن بود؛ اما در مرحله اول آنان موفق به خلع لباس ابوی نشدند و حال آنکه جمع کثیری از علماء و اهل منبر خلع لباس شده بودند و شاید شخصیت فوق العاده ایشان و اجازات حضرات مراجع تقلید نجف بی اثر نبود.

و اما دربارهٔ مرحله دوم نیز باز

شهربانی موفق نشد؛ زیرا منبرهای دل نشین و نغز ایشان مورد استقبال فراوان مردم واقع شده بود. او به هر شکل ممکن منبر می‌رفت و از حضرت سیدالشهداء علیه السلام استمداد و طلب یاری می‌کرد و در این راه نیز موفق بود؛ ولی در عین حال، شهربانی ایشان را از لحاظ منبر رفتن دچار مشکلاتی کرد. بارها به شهربانی احضار شد و مدتی را در زندان شهربانی بود و حقیر چند روزی از منزل برای آقای والد به شهربانی غذا بردم.»

معراجی واعظ بیش از نیم قرن در لنگرود و اطراف و اکناف آن به وعظ و خطابه و ذکر مصائب اهل بیت علیهم السلام اشتغال داشت و با اینکه می‌توانست پیوسته در شهر و در یک مسجد امامت داشته باشد و همان جا منبر برود، ولی پیشنهادات مردم را در این باره قبول نکرد و فقط در ماه مبارک رمضان امامت و منبر را می‌پذیرفت. و نیز سی سال به صورت مداوم در قریهٔ «لیالستان» واقع در جاده لنگرود - لاهیجان عهده دار اقامهٔ جماعت و سخنرانی و ارشاد و هدایت و نیز حل و

فصل امور مردم بود.

صفات و ویژگیها

این واعظ خوشنام دارای صفات و ویژگیهایی بود که به چند مورد آن اشاره می‌شود:

۱. قرائت حدیث کساء

این واعظ پارسا به قرائت حدیث کساء علاقه فوق العاده‌ای داشت. هم اکنون برنامه قرائت حدیث کساء در پایان عزاداری ماههای محرم و صفر در گیلان مرسوم است.

۲. روضه خوانی

خواندن روضه اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام خصوصاً سیدالشهداء علیه‌السلام با لحن مخصوص به خودش همگان را به شدت متأثر و منقلب می‌کرد و گاهی باعث بیهوش شدن چندین نفر از شنوندگان و مستمعان وی می‌شد.

مرحوم آیه‌الله موجد لنگرودی فرمود: «آقای معراجی با اینکه در اواخر عمرش نابینا شده بود، ولی

منبرهای آموزنده و سازنده و شیرینی داشت. او طوری سخن می‌گفت که همه شنوندگان مجذوب سخنان او بودند. سخنان او قیمتی بود و آن وقت که روضه می‌خواند، کمتر کسی بود که با شنیدن آن متأثر نشود. سوز و گداز عجیبی داشت.»^۱

۳. عشق به خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

این واعظ نامدار، عشق و ارادت فوق العاده‌ای به خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم داشت. او هر سال مقید بود با خانواده برای زیارت امام رضا علیه‌السلام به مشهد مقدس مشرف شود. سالی از سوی برخی از ارادتمندان در ایام تشریف، از ایشان برای سخنرانی در مسجد گوهرشاد دعوت به عمل آمد. وی این دعوت را نپذیرفت و فرمود:

«بنده برای زیارت مولایم آمده‌ام، نه به عنوان کسب شهرت.»

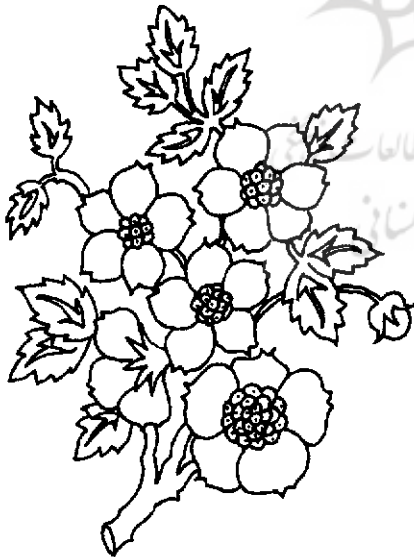
۴. بی‌اعتنایی به زخارف دنیوی

۱. مصاحبه نگارنده با مرحوم آیه‌الله موجد لنگرودی - قدس سره -.

نبودند و بلکه از مدرسین مشهور قم به
شمار می آمدند.»

افول ستاره

مرحوم معراجی پس از عمری
خدمت به اسلام و مکتب جعفری در
۲۵ آبان ماه ۱۳۵۷ شمسی در سن ۸۳
سالگی در گذشت و پیکر پاکش در کنار
قبر دوازده امام زادگان قریه ملاط
واقع در ۵ کیلومتری لنگرود و در کنار
قبر پدر بزرگوارش به خاک سپرده
شد.^۱ «عاش سعیداً و مات سعیداً.»



۱. سیمای لنگرود، ص ۱۸۸.

مرحوم معراجی مرد زاهد و
قانعی بود و تنها راه تأمین زندگی اش
همان درآمد ناچیزی بود که از راه
روضه خوانی به دست می آورد. منزل
مسکونی بسیار ساده ای داشت که
قسمتی از بنایی منزل را با دست
خودش انجام داده بود؛ زیرا از لحاظ
اقتصادی نمی توانست از بنا و کارگر
رسمی استفاده کند.

۵. ارادتمند امام راحل

فرزندش می گوید: «سالی مرحوم
والد برای زیارت کریمه اهل بیت علیهم السلام
به قم مشرف شد. در این سفر به دیدن
حضرت امام خمینی - سلام الله علیه -
رفته بود. وقتی که از محضرشان بیرون
آمد، پرسیدند: آقا را چگونه دیدی؟ در
جواب گفته بود: «اگر این آقا روزی پا
در رکاب کند، دنیا را به هم خواهد زد.»
این دیدار وی با امام راحل باعث
شد که وی از ارادتمندان آن بزرگوار به
شمار آید و نیز این جمله کوتاه را وقتی
فرمود که حضرت امام هنوز مرجع